

Tudeh Party activities in Khosravi textile Factory of Khorasan (1941-1953)

AliReza Abtahi¹ | Shahnaz Hatit²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To report the role of Tudeh Party in organizing factory workers' trade unions and launching strikes in Khosravi Textile Factory as well as the reaction of factory owners and local authorities to such activities.

Method and Research Design: Archival documents and library sources were examined to collect data for analysis.

Findings and Conclusions: Local authorities and factory owners successfully organized religious groups and expelled activist workers to stop of Tudeh Party and its supporters.

Keywords: Mashhad, Tudeh Party, Khosravi Cotton and Textile Factory, Textile Workers, Khorasan

Citation: Abtahi, Alireza, Hatit, Shahnaz. (2021). Tudeh Party activities in Khosravi textile Factory of Khorasan (1941-1953). *Ganjine-ye Asnad*, 31(1),74-106 | doi: 10.22034/ganj.2021.2628

1. Assistant Professor of History, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, I. R. Iran, (Corresponding Author)

abtahi1342@yahoo.com

2. PhD Student History, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, I. R. Iran

Sh.hatit1975@gmail.com

Copyright © 2021, NLA (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«121»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2021.262

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 1, Spring 2021 | pp: 74 - 106 (33) | Received: 14, Jul. 2018 | Accepted: 27, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

جنبش کارگری و حزب توده در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان

علیرضا ابطیحی^۱ | شهناز حطیط^۲

چکیده:

مشهد از دوره قاجار زمینه‌ساز توسعه صنعت نساجی بود؛ بنابراین در دوره پهلوی اول پس از اصلاحات زیربنایی و توسعه صنایع نوین، سرانجام در سال ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م اولین و بزرگ‌ترین کارخانه نخریسی و نساجی شرق ایران با عنوان «شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان» در مشهد راه‌اندازی شد. با تأسیس این کارخانه و اشتغال کارگران در این واحد صنعتی، زمینه تشکیل اجتماعات سیاسی کارگری در مشهد امکان‌پذیر شد. وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش و باز شدن فضای سیاسی موجب شد تا جنبش کارگری در مشهد فرصت بروز یابد. وضعیت نابه‌سامان اقتصادی آن دوران در نقاط مختلف از جمله مشهد باعث شد تا حزب توده از موقعیت استفاده کند و بر جنبش کارگری مسلط شود. این حزب با نفوذ دادن اندیشه‌های خود بین کارگران و دادن آگاهی و آموزش به آن‌ها برای اعاده مطالباتشان، واکنش کارفرمایان را برانگیخت.

هدف: بررسی نقش حزب توده در سازمان‌دهی به تشکرها و اعتصاب‌ها در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی و نحوه واکنش کارفرمایان و دستگاه حاکمه به این قبیل فعالیت‌ها.

روش / رویکرد پژوهش: این مقاله با روش تحلیل-تاریخی و با تکیه بر اسناد، و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: گسترش فعالیت‌های شاخه کارگری حزب توده در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی و در نتیجه مطالبات پی‌درپی کارگران سبب شد تا کارفرمایان سیاست‌هایی از جمله ایجاد دسته‌جات مذهبی در برابر توده‌ای‌ها و اخراج و تعلیق کارگران را اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها: مشهد؛ حزب توده؛ کارخانه نخریسی و نساجی خسروی؛ کارگران؛ شهریور ۱۳۲۰.

استناد: ابطیحی، علیرضا، حطیط، شهناز. (۱۴۰۰). جنبش کارگری و حزب توده در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان. گنجینه اسناد، ۳۱(۱)، ۷۴-۱۰۶. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۱.۲۶۲۸

۱. استادیار تاریخ دانشگاه آزاد واحد نجف آباد، نجف‌آباد، ایران، (نویسنده مسئول)

ablahi1342@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

Sh.hatit1975@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۲۱»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱.۲۶۲۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۰ | صص: ۷۴ - ۱۰۶ (۳۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

انقلاب ۱۹۱۷م روسیه و کودتای ۱۲۹۹ش از جمله حوادث مهم دو دهه اول قرن بیستم بود که تأثیر زیادی بر ایران داشت. از یک سو متأثر از تفکرات چپ و حوادث شوروی، نیروهای سیاسی-اجتماعی جدیدی هم چون کمیته عدالت باکو (حزب کمونیست ایران) به وجود آمد و از سوی دیگر با تأسیس کارخانه جات در دوره پهلوی اول و ایجاد انحصارات داخلی، روند صنعتی شدن کشور در فاصله سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۲۰ش اوج گرفت و قشر اجتماعی جدیدی به نام «کارگر صنعتی» گسترش زیادی پیدا کرد. با اشغال ایران در شهریور ۲۰، حزب توده در مهرماه ۱۳۲۰ش موجودیت خود را اعلام کرد. این حزب با تکیه بر آموزه‌های مارکس، توجه به کارگران و طبقه پرولتاریا را به عنوان موتور محرکه تحولات ضد سرمایه‌داری، وجهه همت خود قرار داد و با تشکیل اتحادیه‌های کارگری در صدد برآمد نفوذ خود را در بین جامعه کارگری ایران گسترش دهد و با الهام گرفتن از این اندیشه، به مرور زمان کارگران را به زیر چتر حمایت خود درآورد.

در این پژوهش تلاش شده است تا به دو پرسش اساسی پاسخ داده شود:

علل، و زمینه‌های شکل‌گیری اعتراضات کارگری در کارخانه نخ‌ریسی و نساجی

خسروی چه بود؟

کارفرمایان در مواجهه با فعالیت‌های حزب توده چه واکنشی نشان دادند؟

پیشینه پژوهش: کتاب «حزب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آن‌ها در خراسان» از حسین الهی و پایان‌نامه کارشناسی ارشد «حزب توده از آغاز تا کودتای ۲۸ مرداد» از مجید توکلی قدیمی، و مقاله غلام‌رضا آذری خاکستر با عنوان «در جستجوی حقایق شهریور ۱۳۲۰ مشهد، شاخه کارگری حزب توده (۹)» منتشر شده در هفته‌نامه مجازی تاریخ شفاهی، تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع پژوهش حاضرند. البته هنوز تمام اسناد مربوط به جنبش کارگری و فعالیت حزب توده در کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان بررسی نشده است. این اسناد در مراکزی هم چون مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران موجودند. بنابراین تلاش می‌شود به روش تاریخی و شیوه توصیفی و تحلیلی، اسناد موجود در این مراکز به‌ویژه اسناد منتشر نشده موجود در آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این اسناد شامل



۵۰۰ برگ سند سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی است که ۱۰۰ برگ آن در پژوهش حاضر استفاده شده است و با آن فعالیت حزب توده در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان به عنوان بزرگ‌ترین مرکز صنعتی و کارگری در مشهد ارزیابی و تحلیل شده است.

۲. شکل‌گیری و رشد صنعت نساجی در مشهد

در اوایل سلطنت رضاشاه اعلانی ازسوی «وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه» منتشر شد و در آن ضمن اشاره به ظرفیت‌های کشف‌نشده در ایران که به دلیل بی‌توجهی کسی به سراغ آن‌ها نرفته بود چنین آمده بود: «اینک که امنیت کامل حکم‌فرما گردیده و ذات شاهانه توجه خاصی نسبت به پیشرفت امور اقتصادی ایران دارند. از این جهت وزارت مذکور سرمایه‌داران داخلی و خارجی را دعوت می‌نماید که هر نوع پیشنهادهای مفیدی چه در زمینه استخراج معادن و چه در زمینه‌های دیگر اقتصادی دارند به این وزارت‌خانه ارسال دارند» (اطلاعات، ش ۱۰۱، آذر ۱۳۰۵). دولت سعی می‌کرد با سیاست‌های قانونی و تشویقی، تجار و سرمایه‌داران را به سوی برپایی کارخانه‌های صنعتی سوق دهد. یکی از این سیاست‌ها تصویب قانون استعمال البسه وطنی، مشتمل بر ۴ ماده بود که در ۲۹ بهمن ۱۳۰۱ ش، در مجلس چهارم تصویب شده بود و به استناد ماده یک آن «دولت مکلف شد کلیه لباس‌هایی که برای مستخدمین لشکری و کشوری تهیه می‌نماید از مصنوعات و منسوجات ایران باشد» (متما، ۶۷۱۸- پ). یکی از اقدامات دوره هفتم مجلس شورای ملی، تصویب قانون متحدالشکل کردن لباس بود. این قانون در چهار ماده و هشت تبصره در دی‌ماه ۱۳۰۷ ش به تصویب رسید و طی آن مقرر شد: «کلیه اتباع ذکور ایران که به موجب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند، در داخله مملکت مکلف هستند که ملبس به لباس متحدالشکل بشوند.» به دنبال تصویب قانون یکسان‌سازی لباس، در تاریخ ۱۳۰۸/۱۲/۲۷ ش ازسوی ریاست وزراء به وزارت مالیه مرقومه‌ای بدین مضمون ارسال شد: «برحسب امر مقدس ملوکانه ارواحنا فدا تأکید می‌شود که عموم مستخدمین باید در سال نو لباس از پارچه‌های ایرانی تدارک کنند. در مدارس شاگردان هم باید به همین ترتیب از پارچه‌های وطنی لباس داشته باشند» (ساکما، ۲/۰۸۴۵۷۱/۲۴۰). این قانون و دستور بعدی، زمینه را برای تولیدکننده داخلی فراهم کرد تا محصولات خود را بهتر بفروشد و روی بازار مصرف‌کننده حساب کند. ولی چیزی که تجار داخلی را به سمت واردکردن کارخانه‌های تولیدی کشاند، تصویب قانونی با عنوان «قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت» در ۱۳۰۹ ش / ۲۵ فوریه ۱۹۳۱ م بود که ورود برخی از کالاهای خارجی را که در داخل ایران تولید می‌شد ممنوع کرد (مجله اتاق



تجارت، س ۶، ش ۹۸، ۱۳۱۳، صص ۱۴-۲۰). حدود ۱۰ ماه از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی نگذشته بود که درخواست‌های زیادی برای واردکردن ماشین‌آلات و تأسیس کارخانه‌جات به اداره کل تجارت واصل شد؛ از جمله برای کارخانه‌جات نخ‌ریسی در کرمان، یزد، مشهد و ... (مجله اتاق تجارت، س ۳، ش ۳۰، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۱۰، ص ۱۳). دولت با تصویب نظام‌نامه کارخانه‌جات در سال ۱۳۱۵ش (ساکما، ۲۹۱/۳۲۸۴/۷۰)، بالابردن تعرفه‌ها، ایجاد انحصارات حکومتی، دادن وام‌های کم‌بهره به کارخانه‌داران از طریق بانک ملی، سرمایه‌گذاران صنعتی را تشویق می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲).

مشهد از نظر رونق صنعت نساجی در دوره صفویه در زمره مهم‌ترین شهرهای ایران محسوب می‌شد. در دوره قاجار، نساجی سنتی در مشهد با عنوان کارگاه‌های «شعربافی» به‌عنوان شغلی اصیل و سنتی، رونق بسیاری داشت. طبق آمار کتاب «نفوس ارض اقدس» در سال ۱۲۵۷ش، در مشهد با جمعیت «۵۷۲۸۷»، «۱۳۷» کارگاه دایر بوده‌است (میرزای قاجار، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

تعداد کارگاه	نام محله
۵۶	پلین‌خیابان
۲۸	سرشور
۲۸	عیدگاه
۱۳	نوغان
۱۲	سراب
۱۳۷	جمع

جدول ۱

تعداد کارگاه‌های شعربافی و شالبافی
به تفکیک محلات مشهد در سال ۱۲۵۷ش

منبع: «نفوس ارض اقدس».

نوعی از پارچه‌های پشمی بافته‌شده در این کارگاه‌ها را اسلامبولی می‌نامیدند، چون برای مصرف لباس به اسلامبول صادر می‌شد (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۶۴۰).

فراهم‌بودن زمینه تولید مواد اولیه صنعت نساجی از جمله حاصلخیز بودن خاک مشهد برای زراعت پنبه «بذر محلی و بذر آمریکایی» می‌توانست نساجی سنتی مشهد را خودکفا کند. نیروی کار ارزان‌قیمت و فراوان، وجود ماشین‌های پنبه‌پاک‌کنی، بازار خوب و پرفروش برای نخ و پارچه مشهد و معادن زغال‌سنگ و قنات آب (ساکماق ۱۵۴-۹۷۲۸۹/۱۴۲) و حمل‌راحت ماشین‌آلات از روسیه از طریق مرز باجگیران به دلیل نزدیکی راه و ارزانی کرایه (ساکماق، ۱۳۷۷۸۷/۱۱۲) موجب شد تا نساجی سنتی مشهد برای ورود به دنیای ماشینی و صنعتی شدن در دوره پهلوی اول آماده شود. از جمله مقدمات تشکیل کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی، تأسیس کارخانه کش‌بافی و جوراب‌بافی در سال ۱۳۱۲ش



(پیرا، ۱۳۷۹، ص ۹۷) و کارخانه نخریسی هارو طونیان در سال ۱۳۱۲ش بود (مجله/تاتق تجارت، س ۷، ش ۱۳۴، ۱۳۱۵، ص ۱۶) که تحولی نوین را در ریسندگی و بافندگی در مشهد سبب شد و زمینه تأسیس بزرگ‌ترین واحد ریسندگی و بافندگی خراسان «کارخانه نخریسی و نساجی خسروی» را فراهم کرد. هدف از تأسیس کارخانه خسروی «کمک به ایجاد توازن در واردات و صادرات مملکت و توسعه صنایع داخلی و پیشرفت صنایع و رفع احتیاجات اهالی» تعریف شده است (ساکماق، ۹۷۲۸۹/۱۰۳). زمزمه برپایی این کارخانه به تیرماه ۱۳۱۰ش می‌رسد؛ زمانی که نامه‌ای از سوی وزیر دربار «تیمورتاش» به اسدی نیابت تولیت آستان قدس رسید: «نیابت محترم تولیت عظمی؛ حسب الامر مبارک باید کارخانه نخریسی و پارچه‌بافی در مشهد دایر شود» (ساکماق، ۹۷۲۸۹/۷۸). نام‌گذاری کارخانه نخریسی و نساجی به «خسروی» منسوب به ارباب کیخسرو نماینده پارسیان هند و نماینده مجلس بود که در تمام جلسات اولیه شخصاً حضور داشت و صاحب ۲۰ درصد از سهام اولیه شرکت بود. در گزارشی آمده است: «از بدو مذاکرات شرکت سهامی نخریسی در خراسان بر حسب اجازه مخصوص بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی نام «خسروی» در نظر گرفته شد» (ساکماق، ۱۳۷۵۷۷/۱۳۱). کارخانه در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۱۳ش تحت شماره ۳۸ و برای مدت پنجاه سال شمسی، در مشهد به ثبت رسید (ساکماق، ۱۳۷۵۰۸/۱). در اولین مجمع عمومی شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی خراسان که در منزل محمدرولی خان اسدی تشکیل شد، ۲۷ نفر جمعاً صاحب ۱۱۷۱۶ سهم به مبلغ ۵'۸۵۸'۰۰۰ ریال حضور داشتند و شش نفر صاحب ۲۸۴ سهم به مبلغ ۱۴'۲۰۰ ریال غایب بودند (ساکماق، ۱۳۷۵۰۹/۱). در این جلسه محمدرولی خان اسدی به سمت اولین رئیس هیئت‌مدیره و نبویان، نصیرزاده، حسام‌الدین خان انصاری، هرمز فرامرز کمیساریات، رستم مسانی و مروان ایرانی به سمت اعضای هیئت‌مدیره انتخاب شدند (ساکماق، ۱۳۷۵۵۲/۲۵). روزنامه آفتاب شرق با پیگیری تأسیس کارخانه، در مهرماه ۱۳۱۴ش نوشته است: «سلمان اسدی، عضو هیئت بانک فلاح، به اتفاق سه نفر از نمایندگان کارخانه‌های خارجی وارد مشهد شده‌اند تا در تهیه لوازم کارخانه نخریسی مشهد اقداماتی بنمایند» (آفتاب شرق، شماره ۱۹، ۱۳۱۴/۷/۲۷، ص ۱). نمایندگان کمپانی‌های مزبور پس از ورود به مشهد تصمیم گرفتند ماشین‌آلات نخریسی به مبلغ سه میلیون ریال از کمپانی پلات انگلستان، ماشین‌آلات نساجی به مبلغ یک میلیون و دویست هزار ریال از کمپانی یونین ماتکس، توربین بخار و لوازم برقی به مبلغ ششصد و پنجاه هزار ریال از کمپانی آ.ا.گ و زیمنس آلمان، و دیگ‌های بخار به مبلغ یک میلیون ریال از آقای هرمز فرامرز کمیساریات (نماینده پارسیان هندوستان) خریداری شود (ساکماق، ۱۳۷۵۲۸/۴۵). بدین ترتیب اولین سنگ بنای ساختمان کارخانه

نخریسی و نساجی خسروی در ۱۴ مرداد ۱۳۱۴ ش جنب کارخانه چرم‌سازی گیلان پی‌ریزی شد (روزنامه آزادی، شماره ۹۸۳، ۱۴/۱۲/۱۳۱۶، ص ۱). مدتی بعد اداره ایران سوترانس تمام ماشین‌های سفارش داده شده از شرکت‌های مختلف اروپایی را اندک‌اندک از راه روسیه و از مرز باجگیران وارد کرد (ساکماق، ۱۳۷۵۸۵/۲۳) که در کارخانه نصب شد. قسمت‌های مختلف کارخانه عبارت بود از: حلاج‌خانه، کاردینگ، فلایر، رینگ، بقچه‌بندی، کلاف، غلتک‌سازی، چله‌خانه، آهار، بافندگی، رنگریزی (رنگریزی) و تکمیل (ساکماق، ۱۳۹۱۴۲/۱۵). نمایندگان کارخانه در سایر شهرها عبارت بودند از: در تهران آقای غلام‌رضا مهاجر اسکویی، در زاهدان تجارت‌خانه حاجی شیخ فیض محمد و برادران کلندرام، در باجگیران قنبرعلی رحیم‌زاده (ساکماق، ۳۷، ۱۳۹۱۴۲/۱۹). مستخدمان خارجی مشغول در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی عبارت بودند از: هانس اشتروسن تبعه سوئیس، ویلیام فوکس تبعه هنگری، پستونجی میستری تبعه انگلیس، اتوویی تبعه سوئیس (ساکماق، ۱۳۹۱۴۲/۱۸)، اتو کنزه تبعه آلمان (استادوخ، ۱۳۲۹، ک ۴۴، پ ۲۴). با نصب ماشین‌آلات کارخانه طی سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ش مراسم گشایش کارخانه نخریسی و نساجی خسروی با حضور فتح‌الله پاکروان استاندار استان نهم و افسران ارتش و مردم شهر در اسفندماه ۱۳۱۶ ش انجام شد (روزنامه سهامت، شماره ۸۲، ۱۲/۱۲/۱۳۱۶، ص ۲). صاحبان کارخانه نخریسی عبارت بودند از: آستان قدس، شرکت سهامی تجارتنی خراسان، آقای نصیرزاده، وهاب‌زاده، کلکانی درودی، نبویان و اشخاص متفرقه دیگری که جمعاً بیش از ۷۰٪ کل سهام را داشتند و کمتر از ۳۰٪ باقی‌مانده سهام به پارسیان مقیم هندوستان تعلق داشت (ساکماق، ۱۳۹۱۴۲/۱۴). کارخانه نخریسی با هدف تولید نخ و پارچه با حدود سیصد کارگر در سال ۱۳۱۷ ش به بهره‌برداری رسید (ساکماق، ۱۳۸۳۶۰/۲۹).

۳. نحوه تأمین و جذب نیروی کار

طبق اسناد، کارگران کارخانه در فصولی که کار بهتری در امور زراعتی پیدا می‌کردند فوراً و بدون اطلاع، کارخانه را ترک می‌کردند. اغلب این کارگران که ریشه روستایی داشتند، از کشاورزان و ساکنان روستاهای اطراف شهر مشهد مثل قلعه گل خطمی - که کارخانه در زمین‌های بایر آن تأسیس شده بود - و قلعه محمدآباد و قلعه آب‌کوه به مشهد مهاجرت کرده بودند. ممنوعیت کشت خشخاش در خراسان طبق تصویب‌نامه شماره ۱۳۱۳۸ مورخه ۲۷/۴/۲۵ هیئت دولت (آفتاب شرق، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۳۲۷/۶/۲۴، ص ۱) موجب شد تا اکثر کشاورزان وارد کارخانه شوند (مصاحبه با محمدحسین دینانی، ۹۶۷/۴). بخش دیگر نیروی کار کارخانه خسروی مهاجران قفقازی بودند که در دوره پهلوی اول در مشهد ساکن

۱. Flyer: برای نازک کردن فتیله قبل از تبدیل آن به نخ، از بخش فلایر یا نیم‌تاب استفاده می‌شده‌است.



شدند. حسین مشکینیان و برادرش که خود از این مهاجران بودند و در این کارخانه مشغول به کار شدند، درباره ترکیب جمعیتی کارگران کارخانه چنین می گوید: «استخدام این دسته از کارگران دسته جمعی بود. این مهاجران از روسیه آمده بودند و اکثراً آذربایجانی بودند و به مشهد کوچ داده شده بودند و علت آمدن آنها به مشهد کارخانه نخریسی و نساجی خسروی بود که آنها و همسرانشان در آن به کار مشغول شدند» (مصاحبه با حسین مشکینیان، ۱۸/۳/۸۹). بیشتر کارگران کارخانه بی سواد بودند. با وضع قوانین و ایجاد تشکیلاتی برای باسوادکردن کارگران در دوره رضاشاه، کلاس های بزرگسالان «اکابر» برای تدریس در کارخانه در نظر گرفته شد؛ که معلمان آن را اداره فرهنگ، پیشه و هنر معین می کرد (ساکماق، ۳۱/۹۷/۱۳۷۷). در سال ۱۳۱۸ ش تعداد ۴۴۸ نفر در کارخانه به کار مشغول بودند که تقریباً ۴۵ نفر از آنها در کلاس اکابر تحصیل می کردند.

جنسیت	سن	متوسط حقوق روزانه	تعداد
مرد	۱۵ سال به بالا	۵ ریال و ۹۵ شاهی	۲۴۳ نفر
زن	۱۵ سال به بالا	۲ ریال و ۱۵ شاهی	۱۰۰ نفر
مرد	۱۵ سال به پایین	۲ ریال و ۲۵ شاهی	۵۳ نفر
زن	۱۵ سال به پایین	۱ ریال و ۶۰ شاهی	۵۲ نفر
جمع کل			۴۴۸ نفر

جدول ۲

توزیع کارگران به تفکیک جنسیت، سن، و حقوق در کارخانه نخریسی خسروی در سال ۱۳۱۸

منبع: (ساکماق، ۱۹/۱۳۹۱۴۲).

براساس آمار کارگران شاغل و میزان کم شرکت آنها در کلاس های اکابر به نظر می رسد که کارگران بی سواد از حضور در کلاس ها اهمال می ورزیده اند؛ بنابراین طی بخشنامه ای از سوی مدیرعامل کارخانه به دایره حسابداری دستور داده شد: «علی هذا عموم کارگران بی سواد را اعلان نمایید که دایره حسابداری این شرکت قبل از پرداخت روزمزد شما، کارنامه شما را که حاکی از حضور در یکی از کلاس های اکابر بدون غیبت باشد رؤیت نماید؛ در غیر این صورت روزمزد شما قابل پرداخت نخواهد بود و برای کارگرانی که در کلاس های اکابر شرکت می کنند، مزایای خاص از جمله محسوب داشتن ساعات شرکت در کلاس و مقرر داشتن اضافه حقوق برای کسانی که موفق به اتمام کلاس های دوره اول می شوند در نظر گرفته می شود» (ساکماق، ۶/۱۳۸۸۴۳).

بنابراین در تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲ ش آماری از سوی دایره کارگزینی به ریاست کارخانه مبنی بر دایر بودن و استقبال کارگران از کلاس اکابر داخل کارخانه در روز پنجشنبه در تاریخ ۱۳۲۱/۸/۲۳ ش، بدین شرح اعلام شد:

کارگران شب مردان از ساعت ۷ تا ۸ صبح: ۵۰ نفر



کارگران روز مردان از ساعت ۵ تا ۶ بعدازظهر: ۶۰ نفر
کارگران شب زنان از ساعت ۷ تا ۸ صبح: ۳۴ نفر
کارگران روز زنان از ساعت ۵ تا ۶ بعدازظهر: ۲۵ نفر (ساکماق، ۱۳۷۷۹۷/۵).

۴. اشغال کشور در شهریور ۲۰ و رونق کارخانه

تحولات سیاسی-اقتصادی پس از شهریور ۱۳۲۰ش/ آگوست ۱۹۴۱م بر کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان تأثیر گذاشت و کارخانه را ابتداء با رونق زیاد و سپس با بحران مواجه کرد. باینکه بهره‌برداری از کارخانه در سال ۱۳۱۷ش شروع شده بود، ولی در ابتدا بازار فروش چندانی وجود نداشت. درگیر شدن کشورهای صنعتی در جنگ سبب بسته شدن راه‌های تجاری و کاهش دسترسی به ابزار و مواد موردنیاز شد؛ بنابراین کارخانه‌های تولید پارچه و دیگر لوازم خانگی اروپا بیشتر به کار تولید محصولات جنگی مشغول شدند (ساکماق، ۱۴۵۸۵۵/۶۹). در پی این اوضاع قیمت پارچه و نخ و دیگر محصولات خانگی به شدت بالا رفت و شماری از تجار و صاحبان سرمایه از فرصت به دست آمده استفاده کردند و سرمایه خود را در این راه به کار انداختند (مصاحبه با حسین مشکینیان ۱۸/۳/۸۹). با اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ش و حضور نیروهای ارتش سرخ در مشهد، بازار جدیدی برای تولیدات کارخانه نخریسی و نساجی خسروی مهیا شد و قیمت تولیدات کارخانه چندبرابر شد (مصاحبه با محمدمهدی باروحی ۳۱/۱/۸۹). نخ و قماش کارخانه حدود چهار برابر قیمت آن فروخته می‌شد؛ بقیچه نخ از ۲۷۰ ریال به ۱۰۷۰ ریال و قماش از متری ۳۰ ریال به ۱۵۰ ریال رسیده بود و هر صاحب سهم چندبرابر اصل سرمایه خود سود خالص می‌برد (روزنامه خراسان، ش ۲۹۹، ۱۱/۴/۱۳۲۹، ص ۲). طبق گزارش اسناد اقتصادی، عملکرد سالیانه شرکت و سهامداران در سال ۱۳۲۱ش «با وجود موانع و مشکلات به دلیل ادامه جنگ در اروپا، موفقیت‌هایی به درجات بهتر از گذشته به دست آمده بود و به‌طور کلی پیشرفت در امور کارخانه و وضعیت آن از هر جهت مشهود بود» (ساکماق، ۱۴۱۰۷۶۷۹). سرمایه کارخانه در سال‌های اولیه جنگ جهانی دوم به دلیل ترقی ارزش ماشین‌آلات و افزایش بهای مواد اولیه و لوازم‌یدکی از ۳۰ میلیون ریال به ۶۰ میلیون ریال افزایش یافت و سودهای کلانی را نصیب سهامدارانش کرد (ساکماق، ۱۶۰۱۵۹/۱).

۵. بروز بحران اقتصادی در کارخانه

با وجود رونق کار کارخانه و افزایش تولید و افزایش قیمت محصولات تولیدی کارخانه که سود کلانی نصیب سهامداران کرد، چون شرکت تمام سودهای کلان دوران جنگ را بین



سهامداران تقسیم کرده بود و حتی برای استهلاک ماشین آلات خود چیزی کنار نگذاشته بود، در دو سال آخر جنگ «برای بحران اقتصادی و رکود بازار معاملات و ورود قماش نخی از خارج به کشور، اوضاع مالی شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی خراسان با اشکالاتی مواجه شد» (ساکماق، ۱۹۹۲/۱)؛ از این رو شرکت برای حل مشکلات خود شروع کرد به نامه‌نگاری با وزارت دربار شاهنشاهی (ساکماق، ۱۵۸۵۵/۷۵).

با خاتمه جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴ش کارخانه نخریسی خسروی مانند سایر کارخانه‌جات کشور به دلیل افزایش شدید تولید برای تأمین نیاز داخلی و استفاده از امکانات در سه شیفت متوالی در سال‌های جنگ، با یکسری ماشین آلات کهنه و فرسوده و موتورهای برق مستهلک روبه‌رو شد؛ هم‌چنین به علت ورود فراوان پارچه به کشور و کاهش تولید با کارگران مازاد هم روبه‌رو شد (ساکماق، ۱۰۸۰۲۱/۷۱).

رکود و کساد بی‌سابقه در بازار و به‌ویژه ورود سیل آسای کالای خارجی به کشور این کارخانه را با بحران و مضیقۀ مالی روبه‌رو کرد. بر اثر عوامل و مشکلات مذکور روزبه‌روز قیمت کالاهای تولیدی کارخانه تنزل پیدا می‌کرد؛ به طوری که کارفرمای وقت حاضر شد محصول کارخانه را به‌بهای تمام‌شده و بدون داشتن سود به فروش برساند. با بررسی گزارش‌های هیئت‌مدیره در اسناد موجود، محصولات نخ و پارچه به‌بهای تمام‌شده هم خریدار نداشت و شرکت از هر بقچه نخ در حدود سی ریال و از فروش پارچه در حدود صدی پانزده تا صدی بیست از قیمت تمام‌شده زیان می‌کرد. باین حال مدیران کارخانه با استفاده از اعتبارات بانکی و استقراض، از وقفه در کار کارخانه جلوگیری می‌کردند (ساکماق، ۱۵۰۸۳۵/۷۵). ولی سرانجام به علت بحران اقتصادی‌ای که گریبان‌گیر شرکت شده بود و عدم سوددهی کارخانه، سهام شرکت ارزش خود را از دست داد و این کار به شکایت و اعتراض سهامداران آن از جمله سهامداران یزدی منجر شد (ساکماق، ۱۳۹۹۷۲/۱۰). این شکایت و پاسخ به آن مدتی طول کشید؛ بنابراین در جلسه مورخه ۳۲۹/۳/۲۲ش مجمع سهامداران شرکت به علت بحران اقتصادی، صرف‌نداشتن فراورده‌های شرکت در مقابل اجناس وارداتی مشابه از خارج، و نبود بازار فروش و رکود سرمایه تصمیم گرفتند کارخانه را تعطیل کنند (ساکماق، ۱۵۰۸۳۵/۷۲)؛ ولی وزیر اقتصاد طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۹/۶/۷ش خطاب به مدیرعامل وقت کارخانه نوشت: «به منظور حفظ و حمایت از صنایع داخلی به خصوص کارخانه‌جات ریسندگی و بافندگی، ورود منسوجاتی که مشابه آن در داخله به‌اندازه کافی تهیه می‌شود به کلی ممنوع گردیده است. به علاوه اقداماتی از [طرف] وزارت کار صورت خواهد گرفت تا در هزینه کارخانه‌ها تقلیل حاصل شود؛ بنابراین آن کارخانه باید به کار خود ادامه داده و در بهبودی محصول و

ارزان کردن بهای کالاهای خود بیش از پیش ساعی باشد» (ساکماق، ۱۵۰۸۳۵/۶۹). تعطیلی این کارخانه به عنوان بزرگ‌ترین واحد صنعتی و کارگری استان صرف‌نظر از لطمه‌ای که به وضع اقتصادی مشهد وارد می‌کرد، باعث بیکاری قریب هزار نفر کارگر می‌شد، که خود می‌توانست مشکلات متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به بار آورد.

۶. بحران کارگری و فعالیت حزب توده در کارخانه

موضوع دیگری که این بنگاه اقتصادی با آن روبه‌رو شد بحران کارگری و نفوذ حزب توده در کارخانه بود. سقوط «رضاشاه» و بازشدن فضای سیاسی و تشکیل مجدد احزاب مختلف، شروع دوره‌ای از بروز نارضایتی کارگران را نوید می‌داد. وقتی کارگران می‌دیدند در شرایط سخت زندگی و سه‌پست شدن ساعات کار کارخانه (ساکماق، ۱۵۰۲۰۹/۱) اقدامی برای افزایش دستمزد آن‌ها انجام نشده و آن‌ها همان دستمزدهای پیش از سال ۱۳۲۲ش را دریافت می‌کنند (ساکماق، ۱۵۰۸۵۱/۷۸) و حقوق روزانه ۲۰ ریال کفاف امورات یک عائله را هم نمی‌دهد (ساکماق، ۱۴۵۱۳۵/۱)، خواه‌ناخواه خواستار افزایش حقوق و مطالبات خود شدند. البته این نکته را هم باید یادآور شد که گران شدن مواد غذایی به دلیل اشغال شهر مشهد توسط ارتش سرخ، مشکل کارگران را تشدید می‌کرد.

حضور نیروهای بیگانه در مشهد پیامدهای بسیاری داشت که ملموس‌ترین آن بروز مشکلات اقتصادی بود. گرانی و کمبود نان، و قند و شکر و اختلال در حمل‌ونقل خواروبار، اوضاع اقتصادی این شهر را آشفته و نابه‌سامان کرده بود؛ این در حالی بود که منطقه خراسان از دیرباز به علت داشتن مقادیر زیادی از غلات، همواره به‌عنوان انبار غله ایران شناخته می‌شد (تبرائیان، ۱۳۷۱، صص ۱۶۷ و ۲۲۳). متفقین با ارسال آذوقه مردم به جبهه‌های نبرد در استالینگراد، هزینه زندگی مردم را به هشت برابر پیش از جنگ رساندند. مردم در صف‌های طولانی نان انتظار می‌کشیدند و در سرمای زمستان به خود می‌لرزیدند تا بتوانند سهم نانشان را به دست آورند؛ نانی که اصلاً آرد نداشت و از ترکیب سبوس، دانه خشخاش و سنگ‌ریزه درست شده بود (ریچاردز، ۱۳۴۳، صص ۲۶۰ و ۳۷۲). از بین رفتن امنیت از دیگر نتایج حضور روس‌ها در مشهد بود؛ به طوری که اقتصاد و امنیت دو دغدغه اصلی در خراسان و مشهد به‌شمار می‌آمد (اسکرین، بی‌تا، صص ۱۹۶). البته مهم‌ترین پیامد ورود ارتش سرخ به مشهد، شکل‌گیری احزاب و گروه‌های وابسته به شوروی بود. با ورود روس‌ها به خراسان، شرایط برای افرادی که تمایلات اجتماعی داشتند ولی نمی‌توانستند به کارهای اجتماعی بپردازند فراهم شد. کسانی که در گذشته از اعضای فعال حزب کمونیست بودند، زمان را مساعد یافتند و برای فعالیت‌های گوناگون آماده



شدند و با تأسیس حزب توده ایران در تهران و شرکت کسانی مانند بقراطی که از اعضای ارشد گروه ۵۳ نفر محسوب می‌شد و پروین گنابادی، برآن شدند تا شعبه حزب توده را در خراسان هم تشکیل دهند. سرانجام در سال ۱۳۲۱ش کمیته ایالتی حزب توده ایران در خراسان راه‌اندازی شد (الهی، ۱۳۸۲، ص ۵۴). آن‌ها ابتدا با انتشار روزنامه «اردیبهشت» - که پس از سه ماه توقیف شد- و سپس بعد از فروردین ۱۳۲۲ش با انتشار روزنامه «راستی» به‌عنوان ارگان کمیته ایالتی موجودیت خود را نشان دادند (مجید فیاض، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۹). به‌موازات فعالیت شعبه حزب توده در خراسان، شوروی برای استمرار بخشیدن به حضورش و با هدف ایجاد فضایی مناسب برای نشر و گسترش افکار کمونیستی، سعی داشت تصویری مناسب از خود ارائه دهد. نمایش فیلم‌های تبلیغی، برگزاری کلاس‌های رایگان آموزش زبان و ادبیات روس، توزیع و نشر کتاب‌هایی با هدف معرفی و آشنایی با کمونیسم از جمله اقدامات مأموران شوروی بود (لنزوسکی، ۱۳۵۳، ص ۲۲۳). عمده این فعالیت‌ها را انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی «وکس» انجام می‌داد (جلالی، ۱۳۷۷، ص ۹۴). سرکنسول‌های شوروی هم چون آپرسف، منیسکی، آقابکوف در ایام فعالیت خود در مشهد برای نفوذ شوروی تلاش زیادی انجام دادند. بخشی از فعالیت فرهنگی روس‌ها در قالب کلوپ شوروی و تأسیس مدرسه لنین در مشهد بود (نجف‌زاده، ۱۳۹۴، صص ۱۴۲-۱۴۷). پس از انتشار روزنامه راستی، کمیته ایالتی حزب توده در مشهد، موفق شد نخستین کنفرانس ایالتی خراسان را در سال ۱۳۲۲ش برگزار کند. طبق تلگراف درج‌شده برای سلیمان محسن اسکندری آمده‌است: «جمعه ۹ اردیبهشت کنفرانس حزبی خراسان با موفقیت انجام [شد] و شالوده تشکیلات مستحکم‌تر و اراده خلل‌ناپذیر ما در مبارزه با ارتجاع استوارتر گردید» (روزنامه راستی، ش ۸، ۱۳۲۲/۲/۱۴)؛ ولی آنچه حزب توده در مشهد از آن بهره جست، وجود کارگران مهاجر ترک‌زبان و ایرانیانی بود که در دهه ۱۳۱۰ش از اتحاد شوروی بازگردانده شده بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۳۵۸). این کارگران به‌دلیل وجود کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان که یکی از مهم‌ترین قطب‌های صنعتی کشور در آن زمان بود در مشهد ساکن شدند. تعداد این کارگران در کارخانه خسروی زیاد بود. بعضی از این کارگران آموزش سطحی اصول کمونیسم را در شوروی دیده بودند و تجربه تشکیلاتی بیشتری از سایر کارگران داشتند. آن‌ها بنیاد اتحادیه‌های کارگری را در کارخانه نخریسی بنا گزارده‌اند. حزب توده با ایجاد تشکیلات کارگری در قالب اتحادیه باعث پیشرفت سریع در لایه‌های پایین جامعه به‌ویژه کارگران شد. در تاریخ ۱ فروردین ۱۳۲۲ش اتحادیه کارگری خراسان وابسته به حزب توده در مشهد شکل گرفت (جلالی، ۱۳۷۷، ص ۸۹). حسن جامعی عضو کمیته ایالتی اتحادیه کارگران

1.v-o-x



خراسان و «رخساره جوان» - از کارگران نخریسی و نساجی خراسان و یکی از رهبران اتحادیه زنان کارگر خراسان - به عضویت کمیته ایالتی اتحادیه کارگران انتخاب شدند (فوق العاده راستی، ش ۱۰۲، ۱۳۲۳/۲/۱۱). در تیرماه ۱۳۲۱ش تشکیلات دموکراتیک زنان ایران فعالیت خود را آغاز کرد و در زمانی کوتاه موفق شد هزاران زن را در سراسر کشور در مبارزه برای کسب حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی متشکل کند. این سازمان از پشتیبانی حزب توده ایران برخوردار بود (سالنامه حزب توده، ۱۳۴۹، ص ۱۸۴). بدین منظور و در جلسه‌ای عمومی در ۲۸ بهمن ۱۳۲۲ش اتحادیه زنان کارگر خراسان در مشهد تشکیل شد. در این جلسه متجاوز از سیصد نفر زن شرکت داشتند (روزنامه راستی، ش ۸۸، ۱۳۲۲/۱۲/۱). حزب توده در اردیبهشت ۱۳۲۲ش توانست گروه‌های کارگری کارخانه خسروی را در میتینگ جمع کند. کارگران این کارخانه از میتینگ حزب توده خوب استقبال کردند. در این میتینگ اساس نامه اتحادیه کارگران مطرح شد. ایجاد صمیمیت و حس همدردی بین کارگران، کوشش برای بهبود وضع اقتصادی و بالارفتن سطح زندگی کارگران، به رسمیت شناختن حق اعتصاب برای کارگران، تقلیل ساعت کار روزانه به هشت ساعت، حق استفاده از یک ماه مرخصی با حقوق و مبارزه با بیکاری، اساس نامه اتحادیه کارگران را تشکیل می‌داد (روزنامه راستی، ش ۱، ۱۳۲۲/۱/۱۷). این مرامنامه اتحادیه کارگران که در آن موارد متعددی چون تأمین اجتماعی، قضایی، بهداشتی، رفاهی پیش‌بینی شده بود، برای کارگران آن‌قدر جذاب بود که جمع زیادی از کارگران را به سوی حزب توده جذب کرد؛ طوری که شهر مشهد در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳ش به مناسبت اول ماه مه شاهد نخستین گردهمایی و حرکت جمعی یک گروه فعال اقتصادی وابسته با انگیزه‌های کلان سیاسی - مخالف با سیدضیاءالدین طباطبایی - بود (روزنامه راستی، ش ۹، ۱۳۲۲/۲/۱۸). در پنجمین سال فعالیت حزب توده و چهارمین سال فعالیت مؤثر اتحادیه کارگری در سال ۱۳۲۵ش انتخابات هیئت عامله، برای مشارکت کارگران در برنامه‌های حزبی، برگزار شد (روزنامه راستی، ش ۳۷۲، ۱۳۲۵/۶/۲۱). میزان نفوذ حزب در خراسان و مشهد در آن سال‌ها وقتی آشکار می‌شود که حداقل دو عضو حزب، ولی‌الله شهاب فردوس با اکثریت آراء از حوزه فردوس و گناباد و طبس و بشرویه و محمد پروین گنابادی، فرد شماره یک کمیته ایالتی خراسان از سبزوار توانستند به مجلس چهاردهم راه یابند (روزنامه راستی، ش ۷۹، ۱۳۲۲/۱۰/۲۱)؛ این مهم با موافقت و حمایت دولت شوروی امکان‌پذیر شد. کارخانه نخریسی و نساجی خسروی با قریب ۸۰۰ نفر کارگر در سال ۱۳۲۲ش، که این تعداد تا سال ۱۳۲۹ش به هزار نفر کارگر افزایش یافت، می‌توانست به صورت پایگاهی نیرومند برای حزب توده درآید. هم‌زمان با فعالیت حزب توده در مشهد شرایط کارگران

بعد از شهریور ۲۰ سخت بود؛ به طوری که ۵۰ درصد کارگران حتی با پای برهنه ممکن بود به کارخانه بیایند و برگردند. هم چنین ۱۲ ساعت کار، سوء تغذیه بسیار، نبود آب بهداشتی، انواع بیماری چون سل از دیگر مشکلات کارگران کارخانه بود (مصاحبه با محمدمهدی باروحی، ۸۹/۲/۱۸). بنابراین تبلیغات وسیع حزب در دفاع از حقوق کارگران، و شعارهای مورد پسند کارگران هر روز از طریق روزنامه راستی (ارگان حزب توده) منعکس می شد. بازتاب مشکلات کارگران، آن‌ها را به هواخواهی و اعتراض در برابر کارفرما تشویق می کرد. اسنادی از تجمع، سخنرانی، راهپیمایی، اعتراض و اعتصاب در داخل کارخانه توسط اتحادیه کارگران وجود دارد که با تحریک کارگران سبب دست کشیدن از کار و رها کردن دستگاه‌ها شده است. برای نمونه، سرهنگ امجدی کفیل شهربانی خراسان در مکاتبه‌ای محرمانه با ریاست کارخانه در تاریخ ۲۰/۱۲/۱۳ درباره سخنرانی تعدادی از کارگران، این رویه را آشکارا توضیح می دهد و کنترل آن را خواستار می شود: «گزارشات واصله حاکی است اغلب اوقات در داخل کارخانه نخریسی توسط حسین ایمانی و عده‌ای دیگر سخنرانی‌هایی به عمل می آید. این اقدام اگر در کارخانه نظایر پیدا کند، ممکن است موجب تهییج احساسات شده و به ضرر کارگاه تمام شود» (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۱۱۰). اعتراضات کارگران برای اعاده حق و مطالبات خود، واکنش کارفرما را به دنبال داشت و باعث شد که کارفرما اغلب قسمت‌ها را به زنان و اطفال واگذار کند و مردان را در موقع تقاضای اضافه حقوق تهدید کند که به جای آن‌ها زنان و کودکان را با نصف حقوق مردان استخدام خواهد کرد. کارفرما اغلب به جای رسیدگی به شکایت کارگران مرد از مزد کم، ساعات کار را زیاد می کرد و در صورت اعتراض کارگران را اخراج می کرد (روزنامه راستی، ش ۶۶، ۱۳۲۲/۸/۲۶). روند اعتراضات باعث شد تا حسن کفایی، مدیرعامل کارخانه در سال ۱۳۲۲ ش به موجب بخشنامه‌ای، تعدادی از کارگران را اخراج کند. در این بخشنامه نام چند نفر از کارگران اخراجی درج شده بود: «نظر به گزارش‌هایی که در این چندروزه رسیده بعضی از کارگران برخلاف مقررات و انتظام رفتار نموده‌اند و کارگران را تحریک به عصیان و عدم اطاعت و انقیاد از مقررات کرده‌اند و در نتیجه موجبات اختلال را فراهم نموده‌اند و ضررهای مادی و معنوی وارد شده است. لذا مسبب و محرک اصلی معلوم گردید؛ نامبرندگان: قنبر عوض، علی اکبر ریخته‌گر، مشهدی حسن برنوس، غلامرضا عرفانیان محرک و مسبب اصلی تشخیص داده [شده‌اند]. چون دلایل قوی و کافی در دسترس می باشد، برای حفظ مصالح اساسی عموم کارگران و کارخانه، نامبرندگان بالا را تا خاتمه محاکمه اخراج [کنید] و در مدت جریان محاکمه به هیچ کاری گماشته نخواهند شد» (ساکماق، ۱۴۵۲۲۴/۱). گاه کارگران اعتراض خود را به شکل کم کاری نشان می دادند و

از این طریق سعی می‌کردند به تولید کارخانه لطمه وارد کنند. دایره فنی شرکت نخ‌ریسی و نساجی خسروی طی گزارشی از وضعیت و عملکرد بخش خود مبنی بر تشدید بی‌سابقه کم‌کاری ماهانه عده‌ای از کارگران می‌نویسد: «مجموع کارمزد آن‌ها کمتر از هشتاد ریال می‌شود. این مسامحه کارگران، گذشته از اینکه به ضرر مالی خود آن‌ها تمام می‌شود به میزان تولید کارخانه هم لطمه وارد می‌آورد» (ساکماق، ۱۴/۱۶۳۹۴۰). هم‌زمان با پیدایش تشکیلات حزب توده و تبلیغات گسترده آن گام‌هایی برای مقابله با اندیشه‌های حزب توده برداشته شد که از جمله می‌توان به فعالیت «جمعیت مبارزین»، «محصلین علوم دینی» و «انجمن پیروان قرآن» اشاره کرد. هم‌چنین هیئت‌های مذهبی مشهد که تعداد آن‌ها به ۲۵۰ هیئت می‌رسید عرض‌اندام کردند (مصاحبه با محمد واعظ خراسانی، ۲۲/۷/۱۳۸۰). اکثر این هیئت‌ها تحت سرپرستی آیت‌الله کفائی برادر حسن کفائی (مدیرعامل کارخانه) بودند (مصاحبه با حسین مشکینیان، ۱۸/۳/۸۹). یکی از منابع مالی تأمین هزینه‌های این هیئت‌ها کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان بود. این هیئت‌ها در کنار فعالیت‌های مذهبی وارد مسائل سیاسی نیز شدند؛ مبارزه با تبلیغات حزب توده یکی از این موارد بود (مصاحبه با طاهر احمدزاده، ۱/۱۱/۱۳۶۹). هیئت صاحب‌الزمان در کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان شکل گرفت و پس از جدایی کارخانه برق خسروی از کارخانه نخ‌ریسی، نامش را به هیئت ابوالفضل‌ی تغییر داد (مصاحبه با حسین مشکینیان، ۸/۴/۸۹). «مذهبی‌ها همیشه با حزب توده در تضاد بودند؛ توده‌ای‌ها سعی می‌کردند یکپارچه اعتصاب کنند، یعنی می‌خواستند ساعت سه کارخانه تعطیل شود، مذهبی‌ها زیر بار نمی‌رفتند» (هفته‌نامه مجازی تاریخ شفاهی، ش ۱۳۹، ۲۹ آبان ۱۳۹۲). این هیئت از حمایت‌های مادی و معنوی آقای کفائی مدیرعامل کارخانه برخوردار بود. فعالیت‌های این هیئت از دید روزنامه‌رسانی دور نبوده است: «به‌قرار اطلاع واصله، آقای کفائی نماینده مجلس که یک کرسی مجلس را تعطیل کرده و از اول افتتاح پارلمان ریاست کارخانه نخ‌ریسی مشهد را بر نمایندگی مردم تیره‌بخت این شهر ترجیح داده‌اند، کارگران کارخانه نخ‌ریسی را مجبور کرده‌اند که هیئتی ابوالفضل‌ی تشکیل دهند و خود ایشان ریاست این هیئت را برعهده گرفته‌اند. ماهی پانصد ریال آقای کفائی به هیئت می‌دهند و به این طریق به‌جای دفاع از حقوق کارگران به دسیسه‌بندی‌های عجیب و غریب نه‌تنها در کارخانه بلکه در تمام نواحی خراسان مشغول [اند] و فعالیت می‌کنند. مردم هوشمند خوب می‌دانند که این آقای محترم عامل کدام سیاست ارتجاعی هستند و ما در آینده با مدارک محکمی اسرار آن سیاست مرموز را فاش خواهیم کرد» (روزنامه رستی، ش ۱۴۸، ۲/۷/۱۳۲۳). شکل‌گیری دسته‌جات مذهبی در داخل کارخانه، باعث شد تا روابط آن‌ها با کارگران طرفدار حزب توده تنش‌آلود شود. حوزه



فعالیت نیروهای اجتماعی حزب توده و اتحادیه کارگران تنها در محوطه کارخانه نبود؛ آن‌ها در خارج از کارخانه هم به اعمال خشونت‌آمیز و تهدید و درگیری می‌پرداختند و با این اعمال می‌خواستند رقبای خود را مستأصل کنند. در گزارشی آمده است: «به واسطه اختلاف نظر اخیر فی مابین کارگران چند روز است یک عده از نفرات حزب توده جری و با کارگران درگیر و شروع به کتک‌کاری [کرده‌اند] و حتی اسلحه گرم و سرد همراه خود دارند که چنانچه به زودی جلوگیری نشود، ممکن است خطرات جانی و مالی برای کارگران فراهم گردد» (ساکماق، ۱۴۹۵/۵). طبق این گزارش حزب توده نیروی اجتماعی وسیعی را که در اختیار داشت به سمت روش‌های خشونت‌آمیز سوق می‌داد. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های حزب توده در مشهد به پشتوانه شرایط ویژه، یعنی حضور ارتش سرخ و نابه‌سامانی اقتصادی حاکم بر شهر مشهد انجام می‌شد. این حزب می‌کوشید از هر شیوه‌ای برای جذب بزرگ‌ترین اجتماع کارگری مشهد استفاده کند و در تبلیغات وسیع، خود را مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان معرفی کند. با خروج نیروهای ارتش سرخ در سال ۱۳۲۴ ش/۱۹۴۵م، کمیته ایالتی حزب توده در شماره ۳۱۰ روزنامه راستی از شوروی و اقدامات ستایش‌کردم‌تشکل‌ساختن کارگران در اتحادیه‌ها با هدف تأمین خواسته‌های اقتصادی و کسب اعتماد آن‌ها و جذبشان به مبارزه سیاسی، از برنامه‌های حزب توده بود. با آغاز سال ۱۳۲۵ ش/۱۹۴۶م ماهیت حزب توده و وابستگی آن به شوروی برای طرفدارانش آشکار شد. با چرخش قوام‌السلطنه به راست، سرکوب پی‌درپی اتحادیه‌های کارگری شروع شد؛ تاجایی که در آذر ۱۳۲۵ ش موجی از استعفا در تشکیلات کارگری شروع شد (روزنامه ندای خراسان، ش ۲۷، ۱۳۲۵/۹/۲۸). در بین استعفاکنندگان نام چند زن از تشکیلات زنان وابسته به حزب مشاهده می‌شود: «اینجانبان: رخساره جوان، صدف غمخوار، سوره قربانی، رقیه قربانی و ... برکناری خود را از تشکیلات زنان وابسته به حزب توده ایران و اتحادیه کارگران به اطلاع عموم می‌رسانیم» (روزنامه ندای خراسان، ش ۲۹، ۱۳۲۵/۱۰/۵). علاوه بر استعفای چندین نفر از کارگران کارخانه نخریسی از اتحادیه کارگران و حزب توده، برخی از کارگران کارخانه نخریسی در صدد برآمدند تا خاک ایران را ترک کنند و به شوروی بروند، ولی دستگیر شدند. اسامی این افراد و نحوه دستگیری آن‌ها چنین بود: «به طوری که کارگزینی شرکت اطلاع می‌دهد از تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۲۶ ش سه نفر از کارگران نخریسی رضا رئوفیان، محمد باقرپور، و محمدعلی بدیعی جوان، بدون اطلاع قبلی از کارخانه غایب [شده‌اند] و به طرف سرحد حرکت کرده‌اند. در اثر جدیت اولیاء، آن‌ها را در درج دستگیر [کرده‌اند] و به شهربانی مشهد تحویل داده [اند]» (ساکماق، ۲۹/۰۰۵۳). با وجود فشارهای وارده از طرف دولت قوام و مخالفان

حزب توده که به توقف فعالیت‌های حزب توده و اتحادیه کارگران در مشهد منجر شده بود، حزب توده و اتحادیه کارگران درصدد برآمدند تا فعالیت خود را مجدداً آغاز کنند؛ از این رو شورای متحده کارگران مشهد در تاریخ ۲۶/۲/۱۰ ش به مناسبت روز جهانی کارگر میتینگ برگزار کرد و بیانیه صادر کرد. وزارت کشور در نامه‌ای به شهربانی مشهد درباره شروع مجدد فعالیت حزب توده و اتحادیه کارگری در مشهد هشدار داد و خواست که شهربانی مراقب اقدامات آن‌ها باشد (مراسان، ۱۳۶/۳۶؛ ۹۴۵۰/۳۶؛ ۱۰۶۰۸/۳). به دنبال ترور محمدرضا شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ش، با توسل به قانون سال ۱۳۱۰ ش حزب توده به عنوان سازمانی کمونیستی، غیرقانونی و منحل اعلام شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۳۹۰). به نظر می‌رسید فعالیت‌های حزب فروکش کند؛ چون پشتوانه اجتماعی حزبی که خود را ناجی و سرپناه کارگران معرفی کرده بود ضعیف شده بود. ولی بعد از غیرقانونی شدن فعالیت حزب توده، شورای متحده کارگران مشهد و افراد حزب، فعالیت زیرزمینی خود را افزایش دادند و با توزیع اعلامیه و بیانیه‌های حزب توسط کارگران کارخانه، مبارزه خود را ادامه دادند. در این زمینه نگهبان شب کارخانه گزارش می‌دهد: «آقای جواد رئوفیان کارگر قسمت کلاف، مقدار زیادی بیانیه جمعیت ملی مبارزه با استعمار [را] در سالون نخریسی بین کارگران تقسیم می‌نموده است» (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۲۴). این فعالیت‌ها ادامه یافت به گونه‌ای که در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۲۹ ش در نامه‌ای محرمانه از استانداری خراسان به مدیرعامل شرکت نخریسی و نساجی خسروی درباره فعالیت طرفداران حزب توده در کارخانه اطلاع داده شد: «به قرار اطلاعات رسیده، اغلب از افراد حزب منحل توده اخیراً شروع به فعالیت‌هایی نموده [اند]، من جمله مشغول جمع‌آوری و تحریک کارگران ناراضی کارگاه‌ها می‌باشند. خواهشمند است به مأمورین مربوطه دستور فرمائید به وسایل مقتضی با کمال دقت مراقب اوضاع و احوال کارگران بوده و با چشم باز به امور آن‌ها توجه نمایید و قبل از اینکه افرادی شروع به خرابکاری یا تحریکات دیگری از قبیل اعتصاب و غیره نمایند، جلو عملیات و اقدامات آن‌ها مسدود گردد. این اداره و مأمورین انتظامی همیشه آماده برای همکاری صمیمانه با کارگاه‌ها می‌باشند» (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۱۲۱). از این پس طرفداران حزب، حمله به کارفرمایان را در برنامه کار خود قرار دادند؛ در این رابطه سرتیپ نویسی فرمانده لشکر خراسان در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۳۲/۴/۶ ش خطاب به مدیرعامل وقت کارخانه نوشت: «برابر اطلاعاتی که مجدداً عناصر اطلاعاتی لشکر کسب نموده‌اند عده‌ای از افراد حزب منحل توده که فعلاً در کارخانه نخریسی مشغول کار می‌باشند با تبانی معدودی از کارگران اخراجی به شرح پیوست با تشریح مساعی و همکاری نزدیک و تماس‌های قبلی در نظر دارند به وسایلی انتقام خود را از اقدامات مسئولین امر و خود شما بگیرند.



ضمناً در چند روز قبل اعلامیه تحت عنوان «درود به زنان و دختران دلیر و مبارز کارخانه نخریسی» به وسیله اعضای حزب مربوطه در کارخانه توزیع گردیده است» (ساکماق، ۱۴۹۴۲۹/۴۸). در تمام دوران اعتراض و اعتصاب کارگران، فعالیت حزب توده در کارخانه دیده می شود. با وجود تمام اقداماتی که شهربانی درباره کنترل فعالیت حزب توده در کارخانه انجام می داد، باز هم به دلیل آزادی های نسبی ای که در دوران نخست وزیری دکتر مصدق بر کشور حاکم شده بود، کارگران کارخانه نخریسی با حمایت حزب توده تحصن و میتینگ هایی برپا می کردند؛ ولی هم چنان شهربانی به میتینگ های آنان حمله می کرد: «چندی قبل که ۱۵ نفر از کارگران کارخانه نخریسی و نساجی ... در تلگراف خانه متحصن [شده بودند] و عصر جمعه که می خواستند در جلو تلگراف خانه به تظاهراتی دست زده ... از طرف شهربانی و ارتش به منظور رعایت انتظام از تظاهرات آن ها جلوگیری شد» (آفتاب شرقی، شماره ۳۸، ۱۳۳۱/۴/۱۵، ص ۲). کارگران با اغتشاش آفرینی و زدو خورد و خاموش کردن هرروزه ماشین ها و اعتصاب، مدیران را مستأصل کرده بودند. در گزارشی از طرف مدیر عامل کارخانه خطاب به استاندار استان نهم، درباره اعتصاب یکروزه کارگران در تاریخ ۴ مهر ۱۳۳۰ ش آمده است: «این اعتصاب که کارگران با صدور بیانیه کتبی خواهان افزایش دستمزد و حقوق خود شده بودند، غیرقانونی است. لذا برای جلوگیری از این قبیل اعمال که موجب اختلال [در] نظم و آرامش عمومی است، اقدامات لازم [را] صادر فرمایید» (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۱۲۰). به دلیل بی توجهی کارفرمایان به خواسته های کارگران و معیشت آن ها، اعتراضات کارگران ادامه یافت و اتحادیه کارگران کارخانه نخریسی در اسفندماه ۱۳۳۰ ش سه اعتصاب بزرگ را سازمان دهی کرد که گسترده ترین آن اعتصاب ۲۱ اسفند بود. در این روز همه کارگران زن و مرد با حمل دو پرده شعار یکی (تصویر یک زن و یک مرد و پرچم سه رنگ) که روی آن نوشته شده بود «زنده باد جوانان دموکرات ایران» و دیگری (تصویر سه نیم رخ زن و مرد) که روی آن نوشته شده بود «زنده باد فدراسیون کارگران دموکرات جهانی» دست از کار کشیدند و اجتماع بزرگی را در خارج از کارخانه به نمایش گذاشتند و بعد از سخنرانی ناصر فرشچی، رئیس کمیته دفاع از حقوق جوانان کارخانه نخریسی، کارگران اعلام کردند هر دو هفته یک روز چنین اجتماعی را به نمایش خواهیم گذاشت و هیچ کس قادر نخواهد بود از ما جلوگیری کند (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۵). روز ۲۸ اسفند ۱۳۳۰ ش کارگران برای مطالبه حقوق و تقدیم شکایت خود به اداره کار به دلیل پایین بودن دستمزد، دست از کار کشیدند و به طرف شهر حرکت کردند و در خیابان ها راهپیمایی کردند (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۱۳). کمیسیون اداره کار نه تنها کاری برای کارگران نکرد، بلکه شهربانی با اعزام نیرو و با همکاری کارفرما «فرخ» برای جلوگیری از

همه گیر شدن فعالیت عناصر وابسته به حزب توده با شدت تمام وارد عمل شد و در روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ ش با حمله به کارخانه تمام کارگرانی را که قبلاً شناسایی شده بودند، دستگیر کرد (ساکماق، ۵۲۵۸۱/۲). در این روز، که فرخ از آن با نام ایام عزای رسمی شکست حزب توده نام می برد (ساکماق، ۱۴۹۴۳۰/۳)، ۲۳ نفر از کارگران کارخانه که به جرم فعالیت های سیاسی و تحریک سایر کارگران و اخلال در نظم و اغتشاش و نزاع و ضرب و شتم و جرح سایر کارگران و مأموران متهم بودند دستگیر شدند و با پرونده به دادسرا تحویل داده شدند و عده ای دیگر که متواری شده بودند تحت تعقیب قانونی قرار گرفتند (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۴۷؛ مراسان، ۳۸، ۱۰۵۱۱/۳۷)؛ ۱۹ نفر از این کارگران بعد از محاکمه، در تیرماه ۱۳۳۱ ش از کارخانه اخراج شدند.

ردیف	نام و نشان	وضعیت تاهل	تعداد اولاد	عائله خانواده	محل کار	اقوام شخص که در داخل کارگاه کاری کنند
۱	محمد رضا آبادیان	متاهل	۲	مادر، خوهر	قسمت تکمیل	برادر
۲	حسین مشکینیان	متاهل	۲	دو برادر	قسمت کاردینگ	برادر
۳	حسن آباشاهی	مجرد	ندارد	پدر، مادر، خوهر	قسمت نساجی	ندارد
۴	اسماعیل صنعت کار	متاهل	۱	پدر، مادر، خواهر، برادر	کمک سرکارگر قسمت کاردینگ	برادر، پسرعمو

جدول ۳

اطلاعات تعدادی از کارگران دستگیر شده
در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ ش

منبع: (ساکماق، ۱۴۲۴۲۸/۶۷).

در بین اخراج شدگان نام احمد طاهری قهرمان کشتی هم به چشم می خورد. البته تلاش هایی از سوی انجمن تربیت و پیشاهنگی استان نهم، برای بازگرداندن او به کارخانه انجام شد (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۷۱)، ولی این تلاش ها به سرانجامی نرسید و طاهری به شوروی مهاجرت کرد. بعضی از کارگران که سوابق سوء کمتری داشتند و از رویه خود نادم بودند با اکثریت آرای شورای توفیق کارگران نخریسی و نساجی خسروی و با دادن تعهد کتبی مبنی بر اینکه کارخانه در برابر هرگونه اعمال خلاف نظم آن ها بدون کوچک ترین اعتراضی حق اخراجشان را داشته باشد تبرئه شدند و به کارخانه بازگشتند. ۱۵ نفر از کارگران اخراجی کارخانه نخریسی با ارسال تلگرافی در تاریخ ۱۳۳۱/۴/۲۰



به هیئت مؤتلفه سندیکای مستقل کارگری تهران و مجلس شورای ملی اعتراض خود را به حمله پلیس به کارخانه و ایجاد حکومت نظامی اعلام کردند و پیگیر بیکاری خود شدند؛ ولی بعد از ۱۵ روز تحصن کارگران در تلگرافخانه، با حمله نیروی شهربانی به تلگرافخانه تلاش کارگران به سرانجام نرسید (کمام، ۱۲/۵-۱۷/۱۱۹/۱۲/۱/۵). با ادامه فعالیت نیروهای شهربانی و کنترل کارگران کارخانه، منازل تعدادی از کارگران کارخانه نخریسی بازرسی شد و در دی ماه ۱۳۳۱ش در منزل سه تن از کارگران مقدار زیادی اعلامیه و اسناد مربوط به فعالیت سیاسی و همکاری آنها با حزب توده کشف و ضبط شد (مپس، ۱/۱۳۹۱۲/۱). با وجود تمام تلاش‌ها علیه فعالیت طرفداران حزب در کارخانه، فعالیت حزب تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش در کارخانه ادامه یافت؛ ولی بعد از کودتای هفت نفر از کارگران توده‌ای کارخانه نخریسی به جرم همکاری با حزب توده دستگیر و محاکمه شدند؛ از جمله: حبیب دهقان، محمدحسین آبادی، سیدطالب پازادپور (توکل قدیمی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۲) که برخی از آنان تا پایان سال ۱۳۳۲ از زندان آزاد شدند (مراسان، ۲۷/۹۸۱۸/۹۸۳۶۷۲؛ ۲۳/۱۰۵۱۱/۱). به دنبال گزارش‌های متعدد مبنی بر فعالیت حزب در جهت تحریک کارگران، در تاریخ ۱۳۳۲/۶/۱۵ امریه‌ای از طرف نخست‌وزیر صادر شد که به محض مشاهده تبلیغات عناصر اخلاک‌گر و فعالیت آن‌ها، آنان را دستگیر کنند و نهایت دقت و مراقبت لازم را به عمل آورند (ساکماق، ۱۴۹۴۲۸/۹۴). در اواخر پاییز ۱۳۳۲ش کمیته محلی حزب توده در مشهد تشکیلات خود را بازسازی کرد و اعضای پراکنده خود را گرد هم آورد. براساس گزارش‌های موجود در اسناد، ۳۳ درصد از اعضای کمیته حزب را کارگران تشکیل می‌دادند. این افراد به فعالیت خود ادامه دادند تا اینکه با کشف منزلی تیمی در مشهد در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ش علاوه بر ضبط ماشین تکثیر اعلامیه و مقداری مدارک رمزی، تعدادی هم دستگیر شدند که دو تن از دستگیرشدگان به نام‌های حسین بورقی و جلیل حبشی زاده از کارگران کارخانه نخریسی بودند (مپس، ۱/۱۳۹۱۲/۲؛ آفتاب شرقی، شماره ۲۵، ۱۱/۲/۱۳۳۳، ص ۱). در اثر اقدامات انجام شده علیه فعالیت حزب توده، تعدادی از کارگران از ترس دستگیری در سکوت به کارشان ادامه دادند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و با تأسیس ساواک فعالیت‌های هواخواهان حزب توده در کارخانه نخریسی به شدت محدود شد؛ ولی هم‌چنان از فعالیت‌های سیاسی و تلاش برخی کارگران برای ایجاد اعتصاب در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان گزارش‌هایی در اسناد موجود است.

۷. نتیجه

بعد از شهریور ۱۳۲۰ش و اشغال مشهد توسط ارتش سرخ، مشهد به محیطی مناسب برای رشد حرکت‌های چپ و اعتراضی تبدیل شد. سال ۱۳۲۱ش حزب توده با همراهی ارتش سرخ و استفاده از وضعیت آشفته اقتصادی از جمله گرانی و کمبود نان رسماً با تشکیل کمیته ایالتی موجودیت خود را در خراسان اعلام کرد. بحران اقتصادی پیش آمده در اثر جنگ جهانی دوم، باعث نارضایتی کارگران و ایجاد نوعی بحران اجتماعی شد. حزب توده با استفاده از این شرایط، با تشکیل اتحادیه کارگران، به عنوان حامی و نماینده کارگران، بر نفوذ اجتماعی خود افزود. مهم‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت حزب، جلب کارگران کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی بود. ترس از بحران اقتصادی به وجود آمده در کارخانه از یک سو، و حملات و مطالبات پی‌درپی کارگران کارخانه که از حمایت حزب توده برخوردار بودند از سوی دیگر، کارفرمایان را به اتخاذ سیاست‌هایی از جمله ایجاد دسته‌جات مذهبی به عنوان رقیب حزب در کارخانه وادار کرد. در مقابل کارگران هواخواه حزب به واکنش‌های گوناگون از جمله اعمال خشونت‌آمیز پرداختند. عملیات مشترک کارفرمایان و مقامات ارتش در روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ش، ظاهراً به فعالیت حزب توده در کارخانه پایان داد؛ ولی فعالیت این حزب در کارخانه به صورت محدود تا کودتای ۲۸ مرداد ادامه پیدا کرد. در نهایت حزب توده با وجود توان زیادی که در دهه ۲۰ در بسیج کارگران داشت و توانسته بود اتحادیه کارگری وابسته به خود را به صورت گسترده در کارخانه نخ‌ریسی مشهد تشکیل دهد، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و تشکیل سازمان اطلاعاتی ساواک، و همکاری کارفرمایان با ساواک، تا انقلاب اسلامی در صحنه سیاسی مشهد به حاشیه کشانده شد.

منبع

اسناد

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه (استادوخ): ۱۳۲۹، کارتن ۴۴، پوشه ۲۴.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۴۰/۰۸۴۵۷۱؛ ۲۹۱/۳۲۸۴.
سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق):
۱۳۷۵۸۵؛ ۱۳۷۷۸۷؛ ۱۳۷۷۹۷؛ ۱۳۸۳۶۰؛ ۱۳۸۸۴۳؛ ۱۳۹۱۴۲؛ ۱۳۹۹۷۲؛ ۱۴۱۰۷۶؛ ۱۴۲۴۲۸
۱۴۳۹۴۰؛ ۱۴۵۱۳۵؛ ۱۴۵۲۲۴؛ ۱۴۵۸۵۵؛ ۱۴۹۴۲۸؛ ۱۴۹۴۲۹؛ ۱۴۹۴۳۰؛ ۱۴۹۵۷۱؛ ۱۵۰۲۰۹
۱۵۰۸۳۵؛ ۱۵۰۸۵۱؛ ۱۵۰۸۵۵؛ ۱۶۰۱۵۹.



کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۱۲/۵-۱۷/۱۹/۱۲/۱/۵.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ۹۴۵۰؛ ۹۸۱۸؛ ۹۸۳۶؛ ۱۰۵۱۱؛ ۱۰۶۰۸.
مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما): ۶۷۱۸ - پ.
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس): ۱۳۹۱۲؛ ۱۳۹۱۲zj.

کتاب

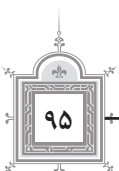
آبراهامیان، پرواند. (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*. (چ ۱۲). تهران: نی.
اسکرین، سرکلارمونت. (بی تا). *جنگ جهانی اول در ایران*. (غلام‌حسین صالحیار، مترجم). تهران: اطلاعات.
الهی، حسین. (۱۳۸۲). *احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آن‌ها در خراسان (۱۳۲۰-۱۳۳۲)*. (چ ۱). مشهد: دانشگاه فردوسی.
پیرا، فاطمه. (۱۳۷۹). *روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان (بین دو جنگ جهانی)*. (چ ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
تبرائیان، صفاءالدین. (۱۳۷۱). *ایران در اشغال متفقین*. (چ ۱). تهران: رسا.
جلالی، غلام‌رضا. (۱۳۷۷). *تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (چ ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. (علی محمد فره‌وشی، مترجم). تهران: بی نا.
ریچاردز، فرد. (۱۳۴۳). *سفرنامه*. (چ ۱). (مهین دخت صبا، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
لنزوسکی، جورج. (۱۳۵۳). *رقابت روسیه و غرب در ایران*. (چ ۱). تهران: جاویدان.
مجید فیاض، عبدالمجید. (۱۳۸۹). *از باغ قصر تا قصر آرزوها*. (چ ۲). (چ ۱). تهران: کویر.
نجف‌زاده، علی. (۱۳۹۴). *کنسولگری‌ها، مستخدمان و مستشاران خارجی در مشهد (از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی)*. مشهد: انصار.
میرزای قاجار، زین‌العابدین. (۱۳۸۲). *نفوس ارض اقدس، یا، مردم مشهد قدیم*. (چ ۱). (مهدی سیدی، مصحح). مشهد: مهبان.

مقاله

آذری خاکستر، غلام‌رضا. (۱۳۹۲). «در جستجوی حقایق شهربور ۱۳۲۰ مشهد، شاخه کارگری حزب توده (۹)». هفته‌نامه مجازی *تاریخ شفاهی*، شماره ۱۳۹، ۲۹ آبان ۱۳۹۲.

مطبوعات

روزنامه *آزادی*: ش ۹۸۳، (۱۳۱۶/۱۲/۱۴).



- روزنامه *آفتاب شرق*: ش ۱۹، (۱۳۱۴/۷/۲۷)؛ ش ۱۶۵ و ۱۶۶، (۱۳۲۶/۶/۲۴)؛ ش ۳۸، (۱۳۳۱/۴/۱۵)؛ ش ۲۵، (۱۳۳۳/۲/۱۱).
- روزنامه *اطلاعات*: ش ۱۰۱، (آذر ۱۳۰۵).
- روزنامه *خراسان*: ش ۲۹۹، (۱۳۲۹/۴/۱۱).
- روزنامه *راستی*: ش ۱، (۱۳۲۲/۱/۱۷)؛ ش ۸، (۱۳۲۲/۲/۱۴)؛ ش ۹، (۱۳۲۲/۲/۱۸)؛ ش ۶۶، (۱۳۲۲/۸/۲۶)؛ ش ۷۹، (۱۳۲۲/۱۰/۲۱)؛ ش ۸۸، (۱۳۲۲/۱۲/۱)؛ ش ۱۴۸، (۱۳۲۳/۸/۲)؛ ش ۳۷۲، (۱۳۲۵/۶/۲۱)؛ *فوق العاده راستی*، ش ۱۰۲، (۱۳۲۳/۲/۱۱).
- روزنامه *شبهات*: ش ۸۲، (۱۳۱۶/۱۲/۱۲).
- روزنامه *ندای خراسان*: ش ۲۷، (۱۳۲۵/۹/۲۸)؛ ش ۲۹، (۱۳۲۵/۱۰/۵).
- سالنامه *حزب توده*: س ۱۳۴۹.
- مجله *اتاق تجارت*: س ۳، ش ۳۰، (۱۳۱۰)؛ س ۶، ش ۹۸، (۱۳۱۳)؛ س ۷، ش ۱۳۴، (۱۳۱۵).

پایان نامه

توکلی قدیمی، مجید. (۱۳۷۹). «حزب توده از آغاز تا کودتای ۲۸ مرداد». (کارشناسی ارشد رشته تاریخ)، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مصاحبه‌ها

- تاریخ شفاهی ساکماق، مصاحبه با حسین مشکینیان. (۱۳۸۹/۳/۱۸)؛ (۱۳۸۹/۴/۸).
- تاریخ شفاهی ساکماق، مصاحبه با محمد واعظ خراسانی. (۱۳۸۰/۷/۲۲).
- تاریخ شفاهی ساکماق، مصاحبه با محمدمهدی باروچی. (۱۳۸۹/۲/۱۸)؛ (۱۳۸۹/۱/۳۱).
- تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، مصاحبه با طاهر احمدزاده. (۱۳۶۹/۱۱/۱).
- مصاحبه نگارنده با محمدرحیم دینانی. (۱۳۹۶/۷/۴).

English Translation of References

Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament): 17/119/12/1/5-12/5. [Persian]

Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center): 9450; 9818; 9836; 10511; 10607. [Persian]



- Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs): 1329 SH / 1950 AD, Box 44, Folder 24. [Persian]
- Mo'assese-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.IIchs.org): document number 6718-پ. [Persian]
- Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute) (Mops) (www.psri.ir): 113912j1; 113912j2. [Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 240/084571; 291/3284. [Persian]
- Sāzmān-e Ketābxāne-hā, Muze-hā va Markaz-e Asnād-e Āstān-e Qods-e Razavi (Sākmāq) (The organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astane Qudse Razavi): 29/0053; 52581; 97289; 108021; 119192; 137508; 137509; 137528; 137552; 137577; 137585; 137787; 137797; 138360; 138843; 139142; 139972; 141076; 142428; 143940; 145135; 145224; 145855; 149428; 149429; 149430; 149571; 150209; 150835; 150851; 15855; 160159. [Persian]

Books

- Abrahamian, Ervand. (1382/2003). "*Irān bein-e do enqelāb*" (Iran between two revolutions) (11th ed.). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney. [Persian]
- D'Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). "*Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri*" (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: trois mois de voyage en Perse, 1911-1290) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: A three-month journey in Persia, 1911-1290]. Translated by Ali Mohammad Gharavashi. Tehran: n. p. [Persian]
- Elahi, Hossein. (1382/2003). "*Ahzāb va sāzmān-hā-ye siāsi va amalkard-e ān-hā dar Xorāsān: 1320-1332*" (Political parties organizations and their functions in Khorasan) (1st ed.). Mašhad: Dāānešgāh-e Ferdowsi (Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]
- Jalali, Gholamreza. (1377/1998). "*Taqvim-e tārix-e Xorāsān az mašruteh tā enqelāb-e*

- eslāmi*” (History of Khorasan from the Constitution to the Islamic Revolution) (1st ed.). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Lenczawski, George. (1353/1974). “*Reqābat-e Rusieh va qarab dar Irān*” (Russia and the West in Iran) (1st ed.). Tehran: Jāvidān. [Persian]
- Majid Fayyaz, Abd Al-Majid. (1389/2010). “*Az bāq-e qasr tā qasr-e ārezu-hā*” (Political memoirs of a former member of the Tudeh Party of Iran) (vol. 2) (1st ed.). Tehran: Kavir. [Persian]
- Mirza-ye Qajar, Zayn Al-Abedin. (1382/2003). “*Nofus-e arz-e aqdas, yā, mardom-e Mašhad-e qadīm*” (The population of the Holy Land, or, the people of ancient Mashhad) (1st ed.). Edited by Mehdi Seyyedi. Mašhad: Mahyān. [Persian]
- Najafzadeh, Ali. (1394/2015). “*Konsulgari-hā, mostaxdemān va mostašārān-e xāreji dar Mašhad: Az dowre-ye Qājār tā enqelāb-e eslāmi*” (Consulates, foreign employers and missionaries in Mashhad). Mašhad: Ansār. [Persian]
- Pira, Fatemeh. (1379/2000). “*Ravābet-e siāsi-eqtēsādi-ye Irān va Ālmān: Beyn-e do jang-e jahāni*” (Iran-Germany political-economic relations: Between the two world wars) (1st ed.). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Richards, Frederick Charles. (1343/1964). “*Safarnāmeḥ*” (A Persian journey) (1st ed.). Translated by Mahindokht Saba. Tehran: Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb (The [Royal] Institute for Translation and Publication). [Persian]
- Skrine, Sir Clairmont Percival. (n. d.). “*Jang-e jahāni-ye avval dar Irān*” (World war in Iran). Translated by Gholam Hossein Salehyar. Tehran: Ettlā’āt. [Persian]
- Tabraeeyan, Safa Al-Din. (1371/1992). “*Irān dar ešqāl-e mottafeqin*” (Iran under occupation of the Allied Forces) (1st ed.). Tehran: Rasā. [Persian]

Articles

- Azari Khakestar, Gholamreza. (1392/2013). “Dar josteju-ye haqāyeq-e Šahrivar-e 1320-e Mašhad, šāxe-ye kārgari-ye hezb-e tudeh (9)” (In search of the truth of Shahri-var 1320 / September 1941 in Mashhad, the labor branch of the Tudeh Party of

Iran). *Hafe-nāme-ye Majāzi-ye Tārix-e Šafāhi* (Oral History Weekly), 139, 29
Ābān 1392 / 20 November 2013. [Persian]

Press

Ruznāme-ye Āzādi (Azadi Newspaper): 983, (1316/12/14 SH / 1938-3-5 AD). [Persian]

Ruznāme-ye Āftāb-e Šarq (Aftab-e Shargh Newspaper): 19, (1314/7/27 SH / 1935-10-
20 AD); 165 & 166, (1326/6/24 SH / 1947-6-19 AD); 38, (1331/4/15 SH / 1952-7-6
AD); 25, (1333/2/11 SH / 1954-5-1 AD). [Persian]

Ruznāme-ye Ettlā'āt (Ettela'at Newspaper): 101, (Āzar 1305 / December 1926). [Per-
sian]

Ruznāme-ye Xorāsān (Khorasan Newspaper): 299, (1329/4/11 SH / 1950-7-2 AD).
[Persian]

Ruznāme-ye Rāsti (Rasti Newspaper): 1, (1322/1/17 SH / 1943-4-7 AD); 8, (1322/2/14
SH / 1943-5-5 AD); 9, (1322/2/18 SH / 1943-5-9 AD); 66, (1322/8/26 SH / 1943-
11-18 AD); 79, (1322/10/21 SH / 1944-1-12 AD); 88, (1322/12/1 SH / 1944-2-21
AD); 148, (1323/8/2 SH / 1944-10-24 AD); 372, (1325/6/21 SH / 1946-9-12 AD);
Foq-ol-'āde-ye Rāsti (Rasti special edition), 102, (1323/2/11 SH / 1944-5-1 AD).
[Persian]

Ruznāme-ye Šahāmat (Shahamat Newspaper): 82, (1316/12/12 SH / 1938-3-3 AD).
[Persian]

Ruznāme-ye Nedā-ye Xorāsān (Nedaye Khorasan Newspaper): 27, (1325/9/28 SH /
1946-12-19 AD); 29, (1325/10/5 SH / 1946-12-26 AD). [Persian]

Sālnāme-ye Hezb-e Tudeh: 1349 SH / 1970 AD. [Persian]

Majalle-ye Otāq-e Tejārat: year 3, issue 30, (1310 SH / 1931 AD); year 6, issue 98, (1313
SH / 1934 AD); year 7, issue 134, (1315 SH / 1936 AD). [Persian]

Dissertations

Tavakkoli Ghadimi, Majid. (1379/2000). "*Hezb-e tudeh az āqāz tā tā kudetā-ye 28-e Mordād*" (Tudeh Party from the beginning to the coup d'état of 28 Mordad 1332 SH / 19 August 1953 AD). [Masters' thesis in History]. Mašhad: Dānešgāh-e



Ferdowsi (Ferdowsi University of Mashhad), Dāneškade-ye Adabiāt va 'Olum-e
Ensāni (Faculty of Literature and Humanities). [Persian]

Interviews

Author's interview with Mohammad Hossein Dayyani, (1396/7/4 SH / 2017-9-26 AD).
[Persian]

Tārix-e Šafāhi-ye Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution
Documents Center), interview with Taher Ahmadzadeh, (1369/11/1 SH / 1991-
1-21). [Persian]

Tārix-e Šafāhi-ye Sākmāq (Sāzmān-e Ketābxāne-hā, Muze-hā va Markaz-e Asnād-e
Āstān-e Qods-e Razavi) (The organization of Libraries, Museums and Docu-
ments Center of Astane Qudse Razavi), interview with Hossein Meshkinian,
(1389/3/18 SH / 2010-6-8 AD); (1389/4/8 SH / 2010-6-29 AD). [Persian]

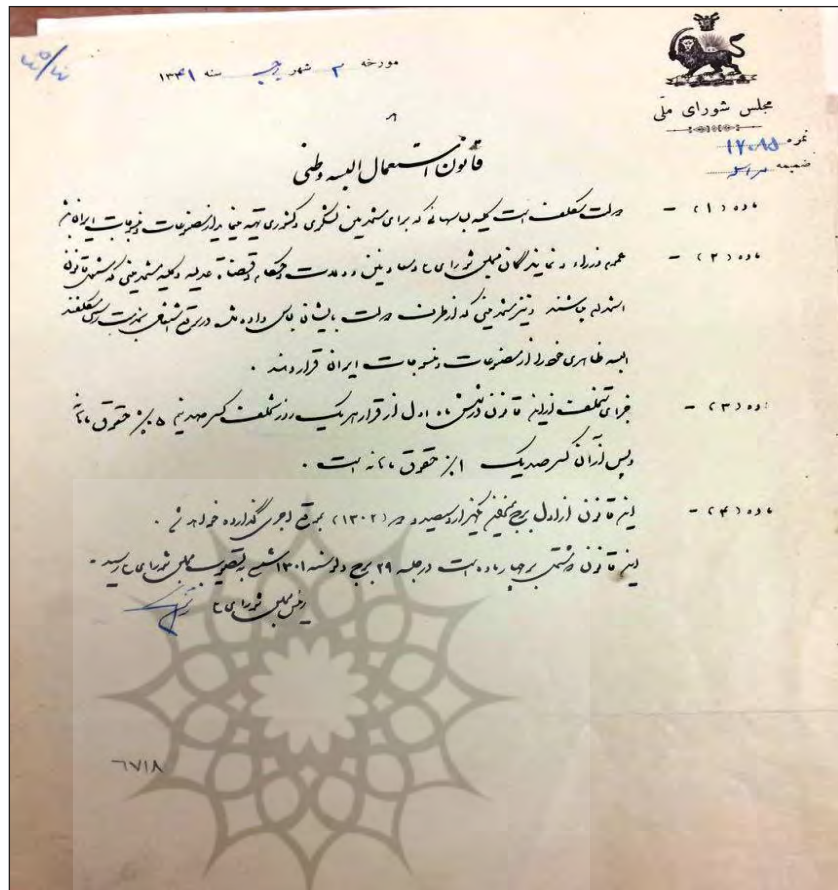
Tārix-e Šafāhi-ye Sākmāq (Sāzmān-e Ketābxāne-hā, Muze-hā va Markaz-e Asnād-e
Āstān-e Qods-e Razavi) (The organization of Libraries, Museums and Docu-
ments Center of Astane Qudse Razavi), interview with Mohammad Vaez Kho-
rasani, (1380/7/22 SH / 2010-10-14 AD). [Persian]

Tārix-e Šafāhi-ye Sākmāq (Sāzmān-e Ketābxāne-hā, Muze-hā va Markaz-e Asnād-e
Āstān-e Qods-e Razavi) (The organization of Libraries, Museums and Docu-
ments Center of Astane Qudse Razavi), interview with Mohammad Mehdi Ba-
rouhi, (1389/1/31 SH / 2010-4-20 AD); (1389/2/18 SH / 2010-5-8 AD). [Persian]

پرونده اسناد و مطالعات مردمی
رتال جامع علوم انسانی

پیوست‌ها

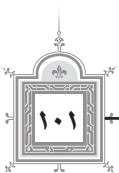




تصویر ۱

قانون استعمال البسه وطنی در سال ۱۳۳۱ ق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۲۵/۶/۵

روستای محله کتک در شمال غربی و جنوب شرقی

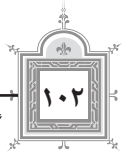
موتور بسیار بواسطه اختلال نظر اخیر فیما بین که در آن چند روز است سبب از انفراست فرب نموده برای
گذران کارخانه با اختلال در کتب کار و حتی اسلحه بود همه به راه خانه مانده و چنانکه نمود موجودی نقد معین است
حاضر در ایام کارگران فرام برود تا اسلحه روز سه شنبه تمام در راه دود و بقصد زدن حوض مشق کارخانه اسلحه کتوک
موجود اسلحه کتوک را در ۱۱ روز و در روز دوشنبه در از طرفین تکلیف بسیار که کارتری که در کتوک در ۱۱ روز
ایستاد در ایام غیر مستند و در سطح اسلحه مرکزی از فرست است استفاده و شبها در کتوک و در روزهای نامتعالی مانده
خود را نهال و مخفی می نمود قصد خود را انجام دهنده چون این موصوف بهت بسیار کارگران از فرام نموده از زیارت
داریم مقرر نموده با تمام کتوک در ۲۱ در ۹ در این خطه ایستان در دست و از عملیات و کتوک

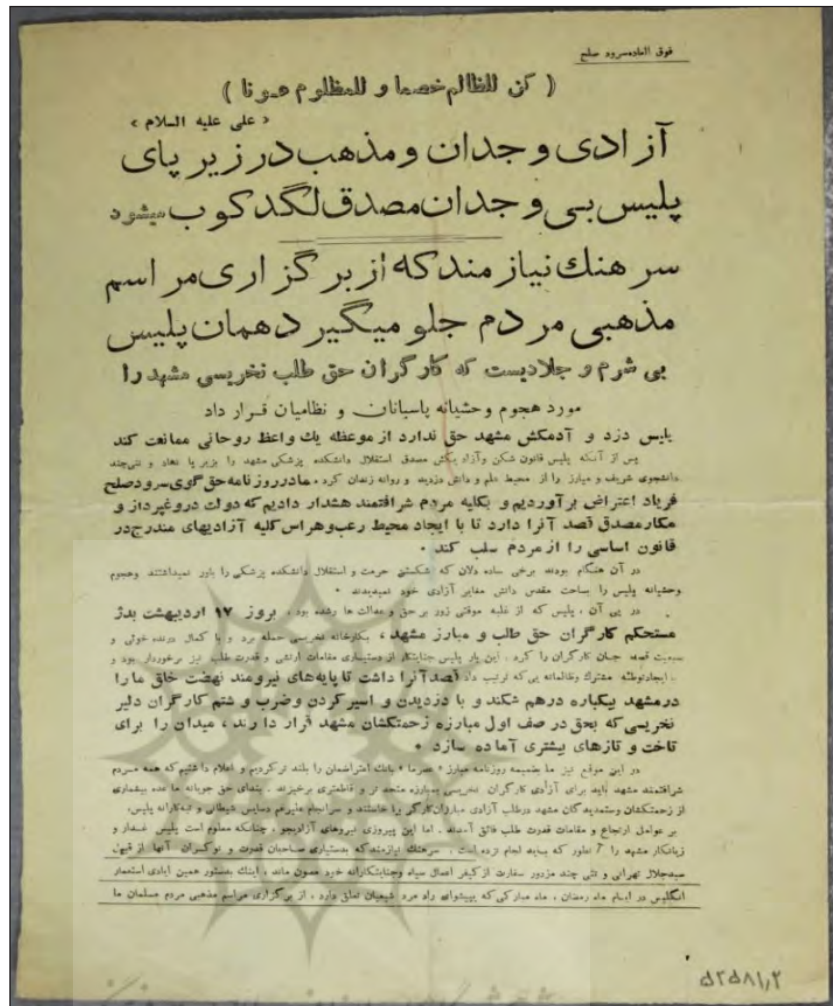
اندر موجب توده جو کتوک کاسر نیاید
انقدر از وزارت یافته
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه
حسن مشق کارخانه

دور از کتوک در
نورسته در کتوک
دور از کتوک در
نورسته در کتوک

۱۴۹۵۷۱

تصویر ۲
رسیدگی به تخلیقات اعضای حزب توده در
شرکت نجریسی خسروی ۱۳۳۵ ش





تصویر ۳

متن اعلامیه هیئت تحریریه درباره
محکومیت جنایات رژیم در حمله به
کارگران کارخانه ۱۳۷۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



رأیت محتیم اداره کل صناع

عبارت به تلگراف شماره (۱۳۱۹۸) شمار میزند که در اوایل سال گذشته بوسیله وزارت -
جلیله دربارینلوئی به بنده امر شد که باید شرکتی برای تأسیس کارخانه نخ رسی با سرمایه -
پانصد هزار تومان در مشهد تشکیل شود. و اقدامات منافی هم در این باب از قبیل مذاکرات و
منازعات با تبار و محبه شرکت نامه و اساس نامه بعمل آمد که ذکر آن ضرورتی ندارد.
و در تاریخ تیر ۱۳۱۰ مرقومه از وزارت جلیله دربار به بنده رسید که عین آن فیلاً نقل میشود:

((شماره ۱۳۶۵۷) - - - قیامت محتیم تولیت عالی - حسب الامر مبارک باید -
کارخانه نخ رسی و بایچه بان در مشهد دایر شود. از طرف ذات مقدس مالکانه اروگنا
داد مبلغ پنجاه هزار تومان که باید از محل حق التولیه برداشته شود. و از جانب آستانه مقدمه
هم پنجاه هزار تومان بایستی شرکت شود. با کمک ملی و مؤمنان آلمانی نیز در حدود صد -
هزار تومان مشارکت خواهند نمود. پس بر این مبلغ دو صد هزار تومان سرمایه شرکت نخ رسی
است که حاضر است. صد هزار تومان دیگر باید بر این مبلغ ضافه کرد و کارخانه را دایر نمود.
با کمک ملی ایران مأمور اتمام این کار است و لازم است مساعدت های لازمه را در پیشرفت این
مناظره بفرمائید. وزیر دربارینلوئی تهور تا ش))

بعد از اقداماتیکه با مشارکت رئیس بافک ملی مشهد بعمل آمد و اشکالاتیکه احساس شد
در تاریخ ۱۲ تیر جواباً به شماره (۲۰۸۴) عرض شد که مواد آن ذیل شماره یک منضمماً
برای ملاحظه و استحضار ارسال میشود.

و بالاخره پس از ذیل تلگرافات زیر که با وزارت جلیله دربار مبادله شد و اقداماتیکه در
جریان بود مجلسی بنوع ذیل تصدیقات مشارکت در شرکت نخ رسی بعمل آمد:

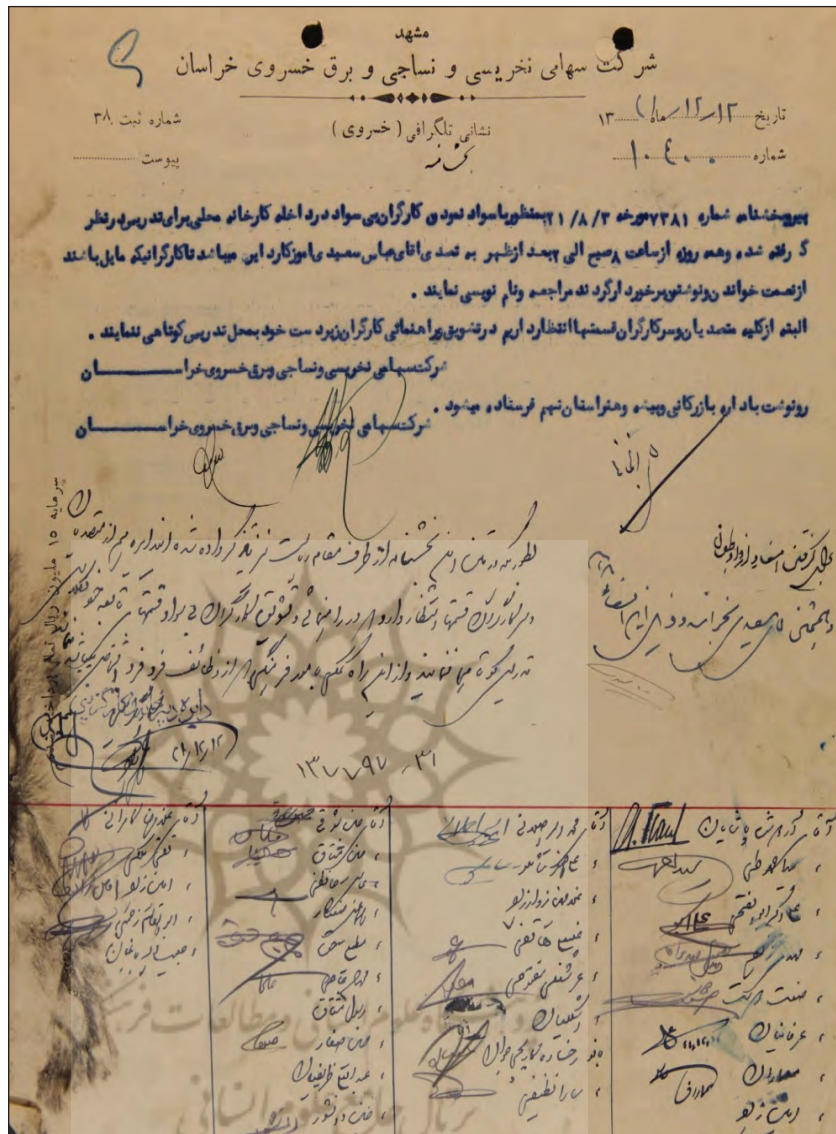
بنده	برکات از طرف اعلیحضرت همانین نامشای اروگنا داده	پنجاه هزار تومان
اینها	از طرف آستانه مقدس	پنجاه هزار تومان
اینها	از طرف آقای تهور تا ش	صد هزار تومان
تبار و مؤمنان	که در حدود	دویست و پنجاه هزار تومان
		که یک قسمت برداشته شد
		و یک قسمت واقف نمودند و
		نبرد داشته اند.

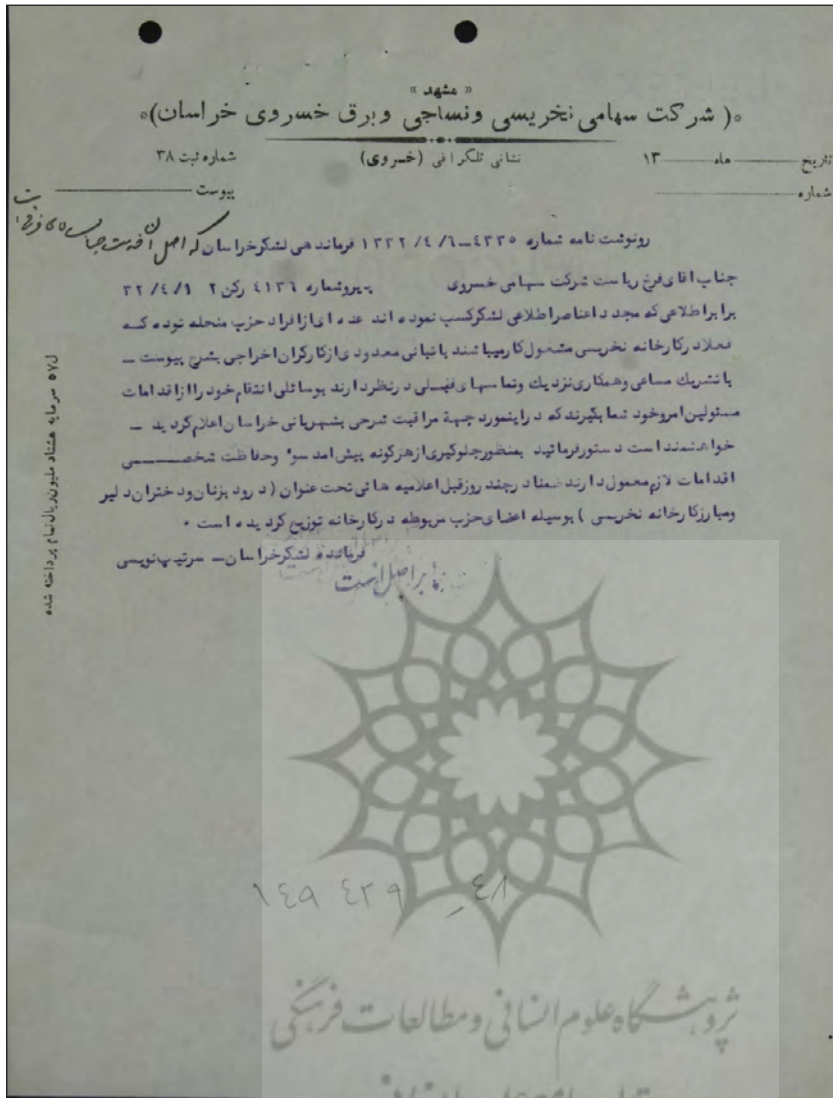
شروع کار در مشهد
رتال جامع علوم انسانی
۹۵۲۸۹۷۸

تصویر ۴

هدف تأسیس شرکت نخ رسی خسروی
خراسان ۱۳۱۲ ش







تصویر ۶

نامه کارخانه نخریسی و سازمان
اطلاعات و امنیت کشور درباره نظم
کارگران ۱۳۲۲ ش

